

بازتاب اوضاع اجتماعی در لالایی‌های عصر حاضر

مهلاسادات حسینی صابر* مریم جلالی** زهرا سیدیزدی***
دانشگاه شهید بهشتی تهران دانشگاه ولی عصر عرج رفسنجان

چکیده

لالایی‌ها یکی از شاخه‌های ادبیات عامه محسوب می‌شوند که از حیث پرداختن به موضوعات کودکانه و مخاطب خردسال، در زیرمجموعه‌ی ادبیات کودک نیز قرار می‌گیرند. لالایی‌ها را می‌توان نخستین نغمه‌های مختص کودکان در نظر گرفت که قدمتی به اندازه‌ی پیدایش بشر دارند. انعکاس عوامل سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی در قرون متمادی در لالایی‌ها مشهود بوده است. همین مطلب را می‌توان از علل اساسی ماندگاری لالایی‌ها دانست. تغییرات محتوایی لالایی‌ها متناسب با عوامل هر دوره سبب پیدایش بستری مناسب برای آگاهی از مسائل غالب در زمان سرایش این زیرژانر شده است که نمود عوامل اجتماعی نیز مستثنا نیست. تجلی عوامل اجتماعی در لالایی‌های نوین که شاعران زمامدار سرایش لالایی‌ها شده‌اند، بیش از لالایی‌های قدیمی است که مادران سرایش آن‌ها را بر عهده داشته‌اند. همین نکته بر ضرورت بررسی بازتاب مشکلات و عوامل اجتماعی در لالایی‌های نوین می‌افزاید. پژوهش انجام‌شده نشان می‌دهد که در لالایی‌های نوین بنا به تغییر باورها و ساختارهای حاکم بر جامعه، محتوای لالایی‌ها در همه‌ی ابعاد به‌روز شده است. جدا از عوامل بیرونی چون توسعه‌ی صنعت یا عوامل جمعیتی، ایدئولوژی عاملی شتاب‌دهنده در جهت تغییر اجتماعی در جامعه محسوب می‌شود که به لالایی‌های شاعران معاصر نیز نفوذ یافته و سبب تغییر محتوا و مضمون، موتیف‌های

* دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات کودک و نوجوان mahlahosseini2371@gmail.com (نویسنده‌ی مسئول)

** استادیار زبان و ادبیات فارسی jalali_1388@yahoo.com

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی z.seyyedyazdi@vru.ac.ir

رایج در لالایی‌ها و فضای حاکم بر لالایی‌های معاصر شده است. در این پژوهش در پی آن هستیم که با روش توصیفی-تحلیلی لالایی‌های عصر حاضر را از منظر اجتماعی بررسی کرده، به تأثیرات این مسائل بر محتوای لالایی‌ها بپردازیم. واژه‌های کلیدی: ادبیات کودک، لالایی، محتوا، وضعیت اجتماعی.

۱. مقدمه

لالایی‌ها سروده‌های ساده، عامیانه و آهنگینی هستند که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان قدیمی‌ترین اشعار کودکان یاد کرد. این سروده‌ها جلوه‌گاه تاریخ، فرهنگ و مذهب عصر سرایش خویش هستند که در بستر تاریخ، با عناصر گوناگون زندگی چون اسطوره، دین، طبیعت یا حتی آمال و آرزوهای انسانی آمیخته شده‌اند. در گذشته که سرایندگان لالایی‌ها مادران بوده‌اند، لالایی‌ها انعکاس‌دهنده‌ی محرومیت‌ها، نگرانی‌ها و دغدغه‌های مادرانه بوده است. اندوه برجان‌نشسته‌ی مادران به‌دلیل محرومیت‌ها و کم‌توجهی‌ها جدا از تأثیر بر آهنگ لالایی‌ها که آن را غمگین و اندوهناک می‌کرد، سبب تأثیر بر محتوای لالایی‌ها نیز می‌شد. اغلب لالایی‌های متقدم از دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های مادرانه حکایت می‌کند که سبب بسامد زیاد دعا، نفرین، آرزو و موضوعاتی از این دست شده است. گویی لالایی در گذشته، ابزاری برای بیان احساسات سرکوب‌شده‌ی مادران بوده است؛ اما در لالایی‌های نوین، شاعران زمامدار سرایش لالایی‌ها شده‌اند. شاعران بیش از موضوعات مادرانه، به کودک به‌عنوان مخاطب حقیقی خویش توجه می‌کنند و در پی ارضای نیازهای کودک و توجه به مشکلات پیش روی او هستند. این مطلب جدا از تأثیر بر محتوای لالایی‌ها، سبب تغییر بر آهنگ لالایی‌ها شده و لالایی‌های کودکان را شادتر و دل‌نشین‌تر کرده است؛ اما نکته‌ی درخور توجه این است که در اغلب پژوهش‌های انجام‌شده از آن حیث که لالایی‌های سنتی در بین اذهان جای‌گیرتر شده‌اند و در حوزه‌ی ادبیات شفاهی دارای سابقه‌ی دیرینه هستند، توجه خویش را معطوف به این دست لالایی‌ها کرده‌اند. چون لالایی‌ها طی اعصار و از نسلی به نسل دیگر روایت شده‌اند در میان ذهن‌ها جای‌گیر شده‌اند؛ از طرفی روایت‌نشدن لالایی‌های نوین در بین افراد و نسل‌ها به‌علت جدیدبودن آن‌ها، سبب شده است جز مادران جدیدی که از لالایی‌های نوین بهره می‌برند، همچنان افراد از گنجینه‌ی لالایی‌های کهن بهره‌مند شوند؛ اما با گذشت زمان محتمل است پاره‌ای از لالایی‌های

نوین را هم مادران آینده‌ای که امروزه کودکان مخاطب لالایی‌های نو هستند، برای فرزندان بخوانند و در نسل‌های بعدی تداوم پیدا کند. همین نکته سبب شد در این مقاله به لالایی‌های نوینی پردازیم که شاعران سروده‌اند. گرچه مادران در سرایش آن‌ها دخالتی ندارند، جلوه‌ای از مشکلات اجتماعی و فرهنگی رایج در جامعه‌ی عصر خویش هستند. تغییر محتوای لالایی‌ها به تبع مشکلات اجتماعی زمانه، ضرورت پرداختن به آن را مشهود می‌کند. در این پژوهش در پی آنیم به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

۱. دگرگونی‌های اجتماعی در لالایی‌های نوین به چه شکل بروز می‌کند؟
 ۲. علت تغییر محتوای اجتماعی لالایی‌ها در طی اعصار چیست؟
- فرضیه‌هایی که به تبع این سؤالات در ذهن ایجاد می‌شود، از قرار زیر است:
۱. به نظر می‌رسد لالایی‌ها جلوه‌گاه مسائل اجتماعی عصر خویش هستند.
 ۲. احتمالاً محتوای اجتماعی لالایی‌ها، همچون دیگر ابعاد فرهنگی، اقتصادی و... متناسب با نیاز جامعه و مسائل عصر سرایش، خود را به‌روز کرده‌اند.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

گرچه گردآوری و بررسی لالایی‌ها مانند دیگر بخش‌های ادبیات عامه سابقه‌ی چندانی ندارد، در سده‌ی اخیر نویسندگان و محققان به آن توجه کرده‌اند. نخستین توجه به ادبیات عامه از صادق هدایت آغاز شد (رک. جمالی سوسفی، ۱۳۸۷: ۱۲). پس از وی افرادی چون سفیدگر شهانقی با چاپ مجموعه‌ی پنج‌جلدی فولکلور کودکان ایرانی به تحقیق درباره‌ی نوازش‌های کودکان، مثل‌ها، چیستان‌ها، قصه‌ها و لالایی‌های کودکان ایران پرداخت. ادبیات شفاهی کودکان (قصه‌ها، مثل‌ها، چیستان‌ها، لالایی‌ها) کتاب دیگری است که معصومه نیک‌فرجام تدوین کرده و در آن بیشتر به مبانی نظری توجه کرده است. در جلد نخستین مجموعه‌ی کتب تاریخ ادبیات کودکان ایران نیز درباره‌ی ادبیات شفاهی و تاریخ باستان نکات مهمی مطرح شده است. می‌توان از کتاب‌هایی چون آواهای روح‌انگیز تألیف هوشنگ جاوید یا کتاب برداشتی از لالایی‌های ایران نوشته‌ی سید ابراهیم عمرانی، زنان و سروده‌هایشان در گستره‌ی فرهنگ مردم ایران زمین از صادق همایونی نیز نام برد. همچنین مقالاتی چون «لالایی‌های مخملین نگاهی به

خاستگاه و مضامین لالایی‌های ایرانی» نوشته‌ی کاووس حسن‌لی یا «جستاری درباره‌ی لالایی‌ها» از قدمعلی سرامی به‌طور اختصاصی به لالایی‌ها توجه کرده‌اند. دو مقاله‌ی «ساختار روایت در لالایی‌های ایرانی» نوشته‌ی یدالله جلالی پندری و صدیقه پاک‌ضمیر و «بررسی تطبیقی ساختار و درون‌مایه‌ی لالایی‌های فارسی و عربی» از حسین کیانی و سعیده حسن‌شاهی لالایی‌ها را بررسی کرده‌اند. در این میان به هیچ کتاب یا مقاله‌ای برنخوردیم که به‌طور ویژه، لالایی‌های نوین فارسی را بررسی کرده باشد. درباره‌ی محتوا، ساختار یا مسائل مطرح‌شده در لالایی‌های عصر حاضر پژوهشی انجام نشده است؛ فقط می‌توان از کتاب‌های لالایی سروده‌شده متأخر بهره برد و درنهایت به بررسی مشکلات اجتماعی در آن‌ها پرداخت. در انتخاب لالایی‌های جدید، تکیه به لالایی‌های دهه‌ی نود شمس‌ی است. در نتیجه می‌توان از کتاب‌های زیر به‌عنوان پیشینه‌ای برای پژوهش حاضر، بهره برد:

لالایی نوینی چون عروسک جان، لالا کن سروده‌ی جعفر ابراهیمی؛ ۴۸ لالایی برای چهار فصل سروده‌ی مریم اسلامی؛ لالایی شبانه سروده‌ی مریم پژومان؛ لالایی کودکان که حسین طاهری و فریبا زمانی گردآوری کرده‌اند؛ لالایی‌ها (۴) از روستایی؛ لالالا، ابر پاره سروده‌ی اسدالله شعبانی؛ بارون نم‌نم - رو پشت بوم خونه / بارون با چیک چیکش - لالا برام می‌خونه از شکوه قاسم‌نیا؛ مجموعه کتاب با لالایی یاد می‌گیرم از مهرداد محمدپور.

۳. رابطه‌ی مسائل اجتماعی و ادبیات کودک

ادبیات کودک از دو مفهوم «ادبیات» و «کودک» تشکیل شده است. به این صورت که اگر متن ادبی از منظر فرم و محتوا نیازهای کودک را اقماع کند، در زمره‌ی ادبیات کودک شمرده می‌شود. خواه این متن موضوعات گوناگون تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، روان‌شناختی یا آموزشی را در برگیرد. در واقع تعامل بین متن ادبی و کودک است که آن را تبدیل به ادبیات کودک می‌کند. گویی ادبیات برای کودک، مجال است که از طریق آن می‌توان به انتقال پیام‌ها، مفاهیم، اندیشه، احساسات و آموزش پرداخت تا به شیوه‌ای غیرمستقیم علاوه بر پرورش قوه‌ی تخیل در عین زیبایی به تقویت رشد روانی و عاطفی وی منجر شود (رک. جلالی، ۱۳۹۲: ۱۶). از سوی دیگر زیستن کودک در

جامعه از یکسو باید وی را برای پذیرش نقش در آینده آماده سازد و از سوی دیگر کودک را با محیط پیرامونش آشنا کند تا ارزش‌ها و هنجارهای حاکم در جامعه به شیوه‌ای غیرمستقیم در وی نهادینه شود. ادبیات کودک با تمامی جلوه‌هایش اعم از شعر، قصه، لالایی و... این بستر را به شکل مناسب فراهم می‌کند. به گونه‌ای که جلالی دانستن اصول و پایه‌های اولیه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و فلسفه را برای تمام کسانی که در حوزه ادبیات کودک فعالیت می‌کنند، ضروری تلقی می‌کند و تا آنجا که رسالت ادبی متن یا سروده را زیر سؤال نبرد، جایز می‌داند (رک. همان، ۱۰۲).

شعر به اقتضای داشتن ریتم، موسیقی وزن و قافیه و آزادی عمل بیشتر در استفاده از آرایه‌های لفظی و معنوی، مجال بهتری به منظور القای مفاهیم گوناگون برای کودک فراهم می‌کند. لالایی‌ها به منزله‌ی نخستین نغمه‌هایی که کودک با آن روبه‌رو می‌شود نیز چون دیگر گونه‌های شعری از این قاعده مستثنا نیست. از سوی دیگر لالایی‌ها از چنان ریتم و آهنگ موزون و درخور توجهی برخوردارند که توجه کودک را برمی‌انگیزد. پولادی معتقد است شعرهای امروز کودک از وزن‌های شعرهای عامیانه بهره برده‌اند. اغلب، کودکان از وزن‌های کوتاه با ریتم تند بیش از وزن‌های بلند و سنگین استقبال می‌کنند. در شعرهای کودکان پیش‌دبستانی نیز اغلب از وزن‌های هجایی و منطبق با ترانه‌های عامیانه استفاده می‌شود؛ اما برای کودکان سنین بیشتر علاوه بر این‌ها، از وزن‌های عروضی شعر فارسی نیز بهره گرفته می‌شود (رک. پولادی، ۱۳۸۴: ۲۹۳).

۴. تغییر اجتماعی

فرهنگ هرگز ایستا نیست بلکه به سمت تعدیل یا پایان‌یافتن الگوهای قدیمی و ایجاد الگوهای جدید در حرکت است. روبه‌روی اعضای جامعه با رسوم متفاوت با آنچه آموخته‌اند و پذیرفته‌اند، سبب می‌شود علی‌رغم اینکه عده‌ای این رسوم را رد می‌کنند، برخی دیگر از اعضا آن‌ها را می‌پذیرند؛ گرچه این نکته تأمل‌برانگیز است که افراد هرگز به‌طور کامل رسوم سنتی خویش را رها نمی‌کنند. در واقع تداوم فرهنگی همواره در کنار تغییر فرهنگی وجود دارد و هرگونه تغییری به تدریج، اما دائمی رخ می‌دهد (رک. درس‌لر و ویلیس، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۲).

۵. عوامل دگرگونی اجتماعی

اگر در ساختار حاکم بر جامعه یا سازمان تغییر رخ دهد، با دگرگونی اجتماعی مواجه هستیم. دگرگونی اجتماعی علل مختلفی دارد که به‌طور اجمالی از این‌قرار است:

۱. **عوامل جغرافیایی:** فراوانی یا فقدان حاصل از طوفان یا کمبود باران از عواملی است که سبب تغییر سبک زندگی انسان‌ها می‌شود.
۲. **عوامل تکنولوژیک:** اختراعاتی که به‌علت پیشرفت دانش بشری رخ داده است، سبب دگرگونی زندگی اجتماعی افراد می‌شود.
۳. **عامل جمعیتی:** کاهش و افزایش جمعیت در مقاطع مختلف زمانی و مکانی، بر دگرگونی‌های اجتماعی حاکم بر جامعه تأثیرگذار است.
۴. **عوامل ایدئولوژیک:** تغییر باورها و ارزش‌های جامعه، سبب تغییر در وضع موجود حاکم بر جامعه می‌شود. در واقع باورها و ارزش‌های ناسازگار با نیازهای جامعه، محرک دگرگونی است (رک. طاهرپور، ۱۳۹۴: ۸۳) ایراد وارد بر تقسیم‌بندی فوق، می‌تواند این نکته باشد که عاملی خاص را نمی‌توان تنها علت برای تغییر فرهنگی در نظر گرفت، بلکه در دل هر علت، علل گوناگون دیگری نهفته است که به تغییر فرهنگی منجر می‌شود؛ به‌طور مثال، توسعه‌ی تکنولوژی سبب تولید ابزار صنعتی کارآمد در حوزه‌ی کشاورزی می‌شود؛ به‌تبع آن از یکسو می‌توان با بهره‌گیری از تکنولوژی نقش عوامل جغرافیایی را کم کرد و از سوی دیگر نیاز به نیروی کار را کاهش داد (عامل جمعیت)؛ بنابراین افراد در باورهای گذشته درباره‌ی استفاده از فرزندانشان به‌عنوان نیروی کار تجدیدنظر می‌کنند (باور ایدئولوژی).

۶. بازتاب عوامل دگرگونی اجتماعی بر محتوای لالایی‌های نوین

۶.۱. رشد شهرنشینی

در ادوار گذشته، اقتصاد غالب دام‌پروری و کشاورزی، سبب غلبه‌ی تعداد افراد روستانشین بر شهرنشین می‌شد. رابطه‌ی مستقیم افراد جامعه با پدیده‌های طبیعی زمینه‌ی آشنایی افراد با نام دقیق پدیده‌های طبیعی را فراهم می‌کرد؛ به‌تبع آن، این اصطلاحات در لالایی‌های کهن نیز نفوذ یافته بود. مادران بی‌توجه به اینکه کودکان این

مفاهیم را می‌شناسند یا با آن بیگانه‌اند، در اغلب لالایی‌های کهن گیاهان، دانه‌ها و گل‌ها را به‌طور جزئی چون خشخاش، زیره، سیاه‌دانه، دشتی (اسپند) و... به‌کار می‌بردند.

لالا لالا گل دشتی همه رفتن تو برگشتی
لالا لالا گل خیری تو فرزند کدام میری

(عمرانی، ۱۳۸۱: ۴۱)

گل خیری، گل همیشه‌بهار است و گل دشتی همان اسپند است که گیاهی خودروست. این گیاه در فرهنگ‌عامه برای رفع چشم‌زخم به سردرِ خانه‌ها آویخته می‌شد یا آن را در آتش می‌سوزاندند. کاربرد این‌گونه کلمات در لالایی‌های قدیم رایج است.

به‌علت غلبه‌ی زندگی شهرنشینی و قطع‌شدن رابطه‌ی عمیق کودک با محیط طبیعی، در لالایی‌های عصر حاضر به جای آوردن نام دقیق گل‌ها، گیاهان، درختان و امثال این‌ها، اجزای مشاهده‌شدنی و ملموس موجود در اطراف کودک را در لالایی‌های خویش خطاب قرار می‌دهند. درواقع در لالایی‌های نوین در پی آن هستند که با ملموس‌کردن لالایی‌ها، آن را برای کودک فهمیدنی کنند تا بتواند بیشترین ارتباط را با این مفاهیم برقرار کند. همین نکته نیز سبب غلبه‌ی عناصر شهرنشینی بر عناصر طبیعی در لالایی‌ها شده است.

لیوان لالا آب لالا عکسِ تویِ خواب لالا
لالا خونهِ لالا موهام با شونه لالا
(شعبانی، ۱۳۹۲: ۵)

۲.۶. پیشرفت تکنولوژی

در گذشته بنا بر سبک حاکم بر اقتصاد که دامداری و کشاورزی بود، فرزندان پسر نیروی کار برای صرفه‌جویی در اقتصاد خانواده‌ها تلقی می‌شدند. درواقع نگاه به کودکان پسر به‌مثابه ابزاری برای تولید بیشتر و نگاه به دختران به‌منزله‌ی مصرف‌کننده بود. این وضعیت، سبب تمایل افراد به فرزند پسر و درنهایت ایجاد تبعیض جنسی در جامعه می‌گشت. تا جایی که تنها پسران را ادامه‌دهنده‌ی راه پدر و بهره‌مند از تمامی امتیازات پدر می‌دانستند.

لالالالا عسل باشی
به هر مجلس که بنشینم

دلم میخواس پسر باشی
تو جادار پدر باشی

(مهاجری، ۱۳۸۳: ۷۵)

در پی انقلاب صنعتی در اروپا و به تبع آن تغییر اقتصاد از سمت دامداری و کشاورزی به سمت صنعت در ایران، بنا به تغییر وضعیت اقتصادی دیگر تفاوت چندانی بین دختر و پسر حس نمی‌شد و هر دو از حقوق به نسبت برابری بهره‌مند شدند. در چنین شرایطی حتی ویژگی‌هایی چون دلسوزی، مهربانی و... در دختران شاخص شد. از آنچه ذکر شد چنین برمی‌آید که تغییر در ایدئولوژی حاکم بر جامعه هم‌سو با پیشرفت تکنولوژی، بر لالایی‌ها تأثیر گذاشته است. به‌طور اجمالی توسعه‌ی تکنولوژی به چند شکل بر لالایی‌های نوین تأثیر گذاشته‌اند که عبارتند از:

۱. اهمیت یافتن دختران در کنار پسران (برابری جنسیت)

گل نیلوفرم لالا
لالایی دخترم لالا

لالا ای دلبرم لالا
لالا تاج سرم لالا

(محمدی، ۱۳۷۴: ۱۶)

از مصراع دوم بیت اول چنین برداشت می‌شود که منظور از گل نیلوفر، دختری بوده است که در بیت بعد ستایش می‌شود و او را دلبر و تاج سر معرفی می‌کند.

۲. توسعه علوم به‌ویژه روان‌شناسی

از سوی دیگر، به‌واسطه‌ی پیشرفت تکنولوژی، علوم گوناگون نیز پیشرفت زیادی کردند، توجه به ابعاد روحی‌روانی در کنار نیازهای جسمانی بر اهمیت روان‌شناسی افزود. در حوزه‌ی کودک نیز توسعه‌ی روان‌شناسی سبب توجه بیشتر به کودک و نیازهای وی شد. این پیشرفت از جنبه‌های گوناگونی بر لالایی‌ها تأثیر گذاشت که به شرح زیر است:

الف. ایجاد حس امنیت و نترسی در کودک

در نمونه‌های بسیاری از لالایی‌های کهن مادر گاه برای خواباندن یا آرام‌کردن کودکش به ترساندن او خواه از حیوانات وحشی و خواه به موجوداتی ماورایی چون لولو متوسل می‌شود.

لالا لالا لولو چاهی از این بچه چه می‌خواهی؟

(جاوید، ۱۳۷۰: ۳۷)

در لالایی فوق مادر، کودکش را از لولوی چاهی می‌ترساند. شاید عبارت لولوچاهی به این دلیل استفاده شده است که کودک به نزدیک چاه نرود و از افتادنش در چاه پیشگیری شود.

در عصر حاضر با اهمیت یافتن کودک و ابعاد روحی و عاطفی کودک، توسل به ترس برای مطیع کردن کودک کارآمد تلقی نمی‌شود، حتی نکوهش شده است؛ در نتیجه بزرگسالان برای خواباندن کودکان در پی آرامش خاطر کودک برآمدند تا کودک با احساس امنیت مواجه شود و به خوابی آسوده فرورود و از توسل به ترس برای آرام‌ساختن وی دوری جستند. در دوران جدید نه تنها خبری از موجودات ماورایی چون لولو نیست، بلکه سراینده‌گان در پی آن هستند که در پی تسکین ترس‌های طبیعی کودک چون ترس از تاریکی، تنهایی و... نیز برآیند که شرایط را برای بررسی لالایی‌ها از منظر روان‌شناختی فراهم می‌کند.

درخت آلبالو! لالا نترسی از لولو! لالا

دروغ لولوی قصه عزیز من، نخور غصه

(محمدپور، ۱۳۸۸: ۱)

در لالایی فوق شاعر با آوردن جمله‌ی «نترسی از لولو» نخست کودک را به آرامش دعوت می‌کند؛ سپس در جمله‌ی «دروغ لولوی قصه» وجود عناصر ترسناک ماورایی که اغلب برای ترساندن کودک به کار می‌رفتند را به کلی تکذیب می‌کند.

«گل زنبق گل توری گل یاس بخواب مادر کنار تو همین جاست

نترس از شب که تاریکی تمومه امید ما به نور صبح فرداست

(طاهری و زمانی، ۱۳۹۵: ۳۸)

در لالایی بالا مادر با ایجاد اطمینان از حضور در کنار فرزندش به وی آرامش خاطر می‌بخشد و سبب تسلی خاطر او می‌شود. از سویی دیگر در پی آن است که به واهمه‌ی فرزندش از شب و تاریک خاتمه بخشد.

بین گل‌های گلدونو بین مهتاب و ایوونو

چه ترسی داره تاریکی به آغوشم که نزدیکی

که من شیرم به بالینت بخواب ای من به قربونت

(روستایی، ۱۳۹۱: ۴)

در لالایی بالا تلاش می‌شود ترس از تاریکی را در کودک تسکین دهند و با یادآوردن وجود مادر در کنار کودک سبب ایجاد آرامش خاطر وی شوند.

ب. تشویق کودک به خوابیدن با ایجاد حسن تعلیل‌های ادبی

در لالایی‌های گذشته به علت خستگی مادر از کارهای روزانه یا شرایط کلی زندگی، کودک و نیازهای وی در حاشیه قرار داشت و گلایه‌های مستقیم مادر در لالایی، فضای کلی لالایی‌ها را غمگین می‌ساخت. مادر به‌صراحت از بیدارماندن فرزندش گلایه و از گریه‌ها و بی‌قراری‌هایش ابراز ناراحتی می‌کرد.

لالا، لالا، گل پسته باباش رفته به گلدسته

بچم آروم نمی‌گره شدم از دست او خسته

(همایونی، ۱۳۸۸: ۹۲)

در لالایی فوق مادر از سویی از نبودن همسرش سخن به‌میان می‌آورد و از سویی دیگر از گریه‌ها و ناآرامی‌های فرزندش اظهار خستگی می‌کند.

در لالایی‌های نوین، برای تشویق کودکان به خواب، با نگاهی کودکانه به پدیده‌های طبیعی و علت وقوع آن‌ها نظر می‌افکنند. درواقع تمام پدیده‌های پیرامون کودک را به‌نحوی به خوابیدن کودک مرتبط می‌کنند تا او را به آرمیدن ترغیب کنند و درعین حال فضایی دل‌نشین برایش فراهم آورند.

لالا مهتاب از اون بالا تو رو می‌بینه و حالا

می‌گه این بچه‌ی شیطون نکرده پس چرا لالا؟

(طاهری و زمانی، ۱۳۹۵: ۴۵)

در لالایی فوق برای تشویق کودک به خوابیدن به جای توسل به ترساندن وی، با حسن تعلیلی زیرکانه سعی در آن دارد که کودک را برای خوابیدن قانع کند.

لالا در آسمون‌ها نشسته برج بره

صدای بع بع او می‌پیچه توی دره

لالا اگه نخوابی بره پر از غم می‌شه

میون ابرا می‌ره صدای او کم می‌شه

(اسلامی، ۱۳۸۷: ۴)

در لالایی فوق برای ترغیب کودک به خواب، از برج برّه یاد می‌شود و نخواستن کودک دلیلی برای غم و اندوه و سکوت بره معرفی می‌شود. البته از آنجا که مفهوم «برج بره» برای کودک فهمیدنی نیست، بر این لالایی ایراد وارد است.

ج. توجه به تفکر خودمحوری و جاندارپنداری اشیا از سوی کودک

کودکان در دوران کودکی که هنوز تفکر انتزاعی در آن‌ها شکل نگرفته است، خودمرکزین هستند. بنا به نظر ژان پیاژه، کودک تا شش سالگی تفکر خودمرکزینی یا خودمیان‌بینی دارد که به معنای خودخواهی کودک نیست، بلکه وی از درک دیدگاه دیگران ناتوان است (رک. احدی و جمهری، ۱۳۹۸: ۴۵). از سوی دیگر نیز کودکان اشیای بی‌جان را جاندار می‌پندارند که با گذشت زمان این ویژگی را تنها به اشیای متحرک نسبت می‌دهند و به موازات این مطلب، این‌گونه می‌پندارند که تمام اشیا خواه جاندار یا بی‌جان، ساخته و پرداخته‌ی دست انسان است. مثلاً کسی با قلم‌مو آسمان را رنگ زده است (رک. همان، ۴۶). نویسندگان و شاعران حوزه ادبیات کودک و نوجوان، تعمداً بیش از گذشته به این شیوه‌های شناختی کودک توجه کرده و آن را در آثارشان اعمال می‌کنند تا به همذات‌پنداری کودک با اثر، کمک بیشتری کنند.

پتوی گرم لالا بالش نرم لالا

لیوان آبم لالا چراغ خوابم لالا

پاهای خستم لالا چشمای بستم لالا

(قاسم نیا، ۱۳۹۴: ۵)

در این لالایی متناسب با طرز تفکر کودک برای هریک از وسایل کودک جانداربودن لحاظ شده است. حتی کودک برای چشم و پای خویش موجودیتی جدا از وجود خود قائل شده است و فعل خوابیدن را متناسب با تفکر خود مرکزینی‌اش به بقیه پدیده‌های اطرافش نیز نسبت می‌دهد.

۳.۶. کاهش جمعیت

کاهش جمعیت از عوامل مؤثر در تغییر فرهنگی است. در گذشته به علت مسائل فرهنگی و اجتماعی نرخ زادوولد بیشتر از عصر از حاضر بوده و فرزندآوری موهبتی بزرگ محسوب می‌شده است. در نمونه‌هایی از لالایی‌های گذشته به مثابه گوشه‌ای از ادبیات شفاهی، شاهد نمونه‌هایی از جمعیت زیاد خانواده و تعدد فرزندان هستیم.

لالا لالا گل نسریں	درم کوردی درو بستسی
مرا بردند به هندوستان	عروس کردند به صد داستان
به صد قالی کرمانی	به صد پیه‌سوز میغانی
حسن جانم به ملایی	حسین جانم به آستایی
به غیر از این به گهواره	دوازده تا به صحرایه

(مهاجری، ۱۳۸۳: ۶۱)

در مثال فوق، مادر در جایگاه راوی لالایی از پانزده فرزند خود اطلاع می‌دهد که بیشتر آن‌ها (سیزده نفر) به منظور کمک در مخارج خانه به کار مشغول هستند و تنها یکی از آن‌ها برای آموزش به مکتب رفته است.

کاهش زادوولد و کم شدن جمعیت در عصر حاضر زمینه‌ساز تغییرهایی در مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه شده است. به تناسب جمعیت کمتر فرزندان، والدین امکانات بیشتری برای آن‌ها در نظر می‌گیرند. به تبع آن توجه به ویژگی‌هایی چون ریتم و موسیقی به منظور ایجاد حس التذاذ کودک در لالایی‌ها قوت گرفت تا نیازهای روحی و حس لذت‌طلبی در کودک تأمین شود. از سوی دیگر فرزند کمتر در دامنه‌ی خانواده سبب توجه بیشتر اعضای خانواده به فرزندان خویش شده است. جدا از امکانات مادی بیشتر، ابراز احساسات بیشتری نیز متوجه کودک می‌شود. گرچه در لالایی‌های قدیم نیز این موضوع به چشم می‌خورده است، غالباً در گذشته مادر به این دلیل وجود کودک را سپاس می‌گفت که وی را همدمی برای خویش در برابر تنهایی‌ها و مشکلاتش تلقی می‌کرد؛ اما در لالایی‌های نوین از خداوند به خاطر آفرینش کودک و نعمت وجودش به خودی‌خود، تشکر می‌شود و وجود کودک نعمتی از جانب پروردگار تلقی می‌شود.

لالا لالا بهشت من	گل اردیبهشت من
خدا با لطف آورده	تو را در سرنوشت من

(طاهری و زمانی، ۱۳۹۵: ۸)

۴.۶. تغییر ایدئولوژیک

تمامی عوامل زمینه‌ساز دگرگونی اجتماعی، سبب تغییر در محتوای لالایی‌ها شده است؛ اما در این میان نقش ایدئولوژیک به‌علت تغییر در باورها و هنجارهای حاکم بر جامعه، بیش از دیگر عوامل به چشم می‌خورد. گویی در دل تمام عوامل ذکرشده، تغییر در باور و ارزش‌های گذشته موتور محرک برای تغییر وضع اجتماعی موجود بوده است. ارزش‌ها موجودیتی عینی ندارند، اما از طریق رفتار ما انعکاس می‌یابند. گرچه امکان هماهنگی کامل ارزش‌ها و نگرش‌ها در جامعه وجود ندارد، این ارزش‌ها در درون گروه‌ها، میل به یکسان‌شدن دارند؛ به صورتی که ارزش‌ها و گرایش‌های پسندیده‌ی گروهی از جامعه را گروهی دیگر نیز می‌پذیرند (رک. درس‌ر و ویلیس، ۱۳۸۸: ۷۵) با تغییر ارزش‌ها در جامعه، هنجارهای پذیرفته‌شده نیز دستخوش تغییر می‌شوند. در واقع «هنجارها، اندیشه‌هایی هستند درباره‌ی رفتارهایی که برای اعضای گروهی خاص، رفتار صحیح تلقی می‌شوند» (تریان‌دیس، ۱۳۸۳: ۱۶۶). هنجارها رفتار اشخاص در سیستم اجتماعی را (مثلاً پدر یا مادر در خانواده) تعیین می‌کنند (رک. همان، ۱۷۱) تغییر هنجارها در جامعه سبب تغییر نقش‌ها در همان جامعه می‌شود که در لالایی‌های نوین به شکل‌های مختلفی بروز پیدا می‌کند که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

۴.۶.۱. لالایی خواندن مردان

با تغییر نقش‌های حاکم که حاصل تغییر هنجارهای موجود در جامعه است، نقش‌های زن و مرد نیز تا حد زیادی دگرگون شده است. از یک‌سو زن از نقش کلیشه‌ی مادری و خانه‌داری خارج می‌شود و نقش اجتماعی در خارج از محیط منزل پیدا می‌کند و از سوی دیگر با اهمیت‌یافتن نقش پدری در کنار نقش مادری، مردها نیز موظف به پذیرش مسئولیت‌هایی چون مراقبت از فرزند شده‌اند که در لالایی‌ها نیز نفوذ یافته است.

لالا کفاشم و یک غنچه دارم	تویی عمر و همه صبر و قرارم
می‌خوام فردا که می‌رم تا مغازه	برات یک صندل قرمز بیارم
لالایی می‌گم و خوابت بگیره	واسه بازی گمونم دیره دیره
نمی‌ذارم که آزاری ببینی	آخه بابا یه مرده، مثل شیره

(گیلان، ۱۳۸۸: ۵)

در لالایی فوق از آنجاکه کفاشی شغلی مردانه است، به جنسیت مذکر راوی پی می‌بریم. از سوی دیگر با مناسب‌دانستن رنگ قرمز برای صندل فرزندش، این مفهوم را به شنونده القا می‌کند که احتمالاً وی فرزندی دختر دارد. در ابیات بعد نیز مردانگی و قدرت خویش را وسیله‌ای برای دفاع فرزندش بیان می‌کند تا به کودک خویش قوت قلب بخشیده باشد.

لالا لالا گل زیبای لاله شدم بنا و تو دستم یه ماله
دو روزی می‌رم و کارم زیاده تو رو فردا می‌ذارم پیش خاله

(همان: ۹)

در لالایی بالا راوی به شغل بنایی مشغول است. از آنجاکه بنایی شغلی مردانه است، می‌توان این‌گونه برداشت کرد که گوینده این لالایی پدر کودک است که از فرزندش مراقبت می‌کند. از سویی دیگر با توجه به اینکه پدر در پی آن است که در زمان نبودش، کودک را برای نگهداری در نزد خاله‌اش بگذارد، این‌گونه برداشت می‌شود که مادر در این لالایی بنا به دلایلی چون پذیرش نقش اجتماعی یا اشتغال، در فضای خانه حضور دائمی ندارد. این در حالی است که در لالایی‌های کهن حتی یک نمونه از لالایی خواندن مردان برای فرزندانشان یافت نشده است.

۶.۴.۲. اشتغال زنان

اشتغال زنان در گذشته تنها حول محور کار در خانه و وظایف مربوط به همسراری و مراقبت از فرزندان بود. اگر هم برای زنان بتوان شغلی جدا از کارهای روزمره در نظر گرفت، می‌توان گفت اشتغال زنان در گذشته تنها به نقش‌های پاره‌وقت و فصلی یا کارهای خانگی چون قالی‌بافی معطوف می‌شد که اغلب بدون مزد و موجب بود؛ حتی اگر حقوقی دریافت می‌کردند بسیار کمتر از مردان بود. به‌گونه‌ای که استفاده از آنان تنها به‌علت صرفه‌جویی در هزینه‌ها بود. در واقع ادوار گذشته برای کار زنان در شرایط یکسان اقتصادی هیچ‌گونه رسمیتی قائل نبودند.

لالا لالای آسانی تو پیرمرد خراسانی
اگر بابای مرا دیدی دعای بسیار برسانی
بگو دخترت را دیدم همان گفترت را دیدم

به دست دستاس می‌گرداند به پا گهواره می‌جنباند
 به سرش دیگ آب داره به پیشش جفت گاو داره
 (مهاجری، ۱۳۸۳: ۵۳)

این لالایی به کارهای متعددی اشاره دارد که مادر به‌طور هم‌زمان مشغول به انجام آن است. با دستی در حال چرخاندن آسیاب دستی است و همان‌طور که با پایش گهواره کودکش را تکان می‌دهد، دیگ آبی را با سرش حمل می‌کند و از سوی دیگر وظیفه‌ی تیمار و دوشیدن گاوها هم بر عهده‌ی اوست. این لالایی برای نمونه، بخش اعظم اشتغال زنان را به کارهایی محدود می‌داند که زنانه و در محیط خانه است. با تغییر شرایط زندگی زنان به‌تبع شرایط فرهنگی، پذیرش شغل و نقش‌پذیری اجتماعی یکی از حقوق مسلم زنان محسوب شد؛ در نتیجه در شعر و لالایی‌های کودکانه نیز نمود دارد.

لالا لالا دیگه شب هم سر اومد نگا کن روز تا پشت در اومد
 نگا کن بوی عشقه پشت این در درسته، چون صدای مادر اومد

(خاور سنگری، ۱۳۸۹: ۴۱)

در لالایی مذکور پدر خانواده برخلاف گذشته برای فرزندش لالایی می‌خواند. چنانچه از این لالایی برمی‌آید، مادر شب تا صبح را در خارج از منزل، سپری کرده است و با طلوع خورشید و فرارسیدن روز، پدر به وی نوید بازگشت مادرش از محل کار را می‌دهد.

مامانت یک طیب مهریونه دستاش نورانی، آروم جونه
 میاره توی دنیا، نی‌نیارو که تا مهر خدا راضی بمونه
 لالا لالا بخواب ای مرد خونه دعا کن مادرت سالم بمونه
 بیاد فردا و بازم مهریون شه هوای ماتم این آشیونه

(همان: ۳۵)

در این لالایی که پدر روایتگر است، به تغییر نقش‌های اجتماعی اشاره دارد و از مادر به‌منزله‌ی طیب یاد می‌کند و به ستایش وی می‌پردازد. گرچه انتخاب واژه‌ی پزشک به جای طیب، چون برای کودک فهمیدنی است، مناسب‌تر است ولی به‌دلیل استفاده از لفظ پیچیده به شعر انتقاد وارد است. در این شعر از اشتغال زنان در جامعه امروز یاد می‌شود. مرد در عین پذیرش نقش مسئولیت‌نگه‌داری از کودک، از اشتغال

همسرش در محیط اجتماعی تجلیل می‌کند و حتی اشتغال وی را وسیله‌ای برای تقرب به خداوند و کسب رضایت او تلقی می‌کند. بیت آخر این لالایی نیز از نقش طولانی زن حکایت دارد و روز آینده را زمان بازگشت مادر اعلام می‌کند که این خود حاکی از طولانی‌بودن زمان غیبت مادر از محیط خانه است.

۳.۴.۶. حضور مؤثر مرد در کنار فرزند

در گذشته بنا به مسائل اقتصادی چون کمبود کار و اشتغال به دامداری یا مسائل سیاسی چون جنگ و امثال این‌ها، با لالایی‌هایی مواجه بودیم که مادر از دوری همسرش شکایت می‌کرد یا آرزوی بازگشت همسرش را می‌کرد. در اینجا تنها به ذکر نمونه‌ای از لالایی‌هایی که نشان‌گر دوری مرد از محیط خانه و خانواده است، اشاره می‌کنیم.

لالا لالا گل خشخاش بابات رفته خدا همراهش

بابات رفته به هل چینی بیاره قند و دارچینی

(تذهیبی و شجاع دوست، ۱۳۹۱: ۱۶)

کشت هل در ایران انجام نمی‌شده و دارچین محصول خاص هندوستان است؛ از سویی دیگر از قرن پنجم به بعد واردات قند به ایران به شکل گسترده‌ای انجام می‌شد که هندوستان یکی از صادرکنندگان اصلی این کالا بوده است. این نکات زمینه‌ساز این نتیجه‌گیری است که احتمالاً پدر برای اشتغال به هندوستان مهاجرت کرده است و از آنجا این کالاها را به‌عنوان سوغات، برای خانواده‌اش به ارمغان آورده است (رک. عمرانی، ۱۳۸۱: ۴۵).

در جامعه‌ی کنونی بنا به اقتضای تغییر در شرایط زیستی، سیاسی و اشتغال، مردان به‌ندرت برای تأمین معاش، جنگ و... برای مدت طولانی از محیط خانواده دور می‌مانند. پدر در لالایی‌های امروز نقش حاشیه‌ای ندارد. وی در بطن خانواده است، وجودش حس می‌شود و با فرزند و خانواده‌اش تعامل دارد. گاه مادر نوید حضور پدر را می‌دهد تا سبب ایجاد آرامش خاطر در کودک شود، گاه زمان بازگشت وی به خانه را نزدیک می‌داند. در پاره‌ای از لالایی‌ها حضور پدر در کنار کودک چنان ملموس است که پدر برای فرزندش لالایی می‌خواند تا او را به خواب دعوت کند. این نکته سبب شده در لالایی‌های امروز چنان با حضور مؤثر و کارآمد مرد در لالایی‌ها مواجه شویم که حتی کتاب‌هایی برای لالایی گفتن پدران برای فرزندانشان فراهم آید.

گل نرگس، گل زنبق لالایی تو خورشید منی ای موطلایی
 الهی که بمونه رو سر تو همیشه سایه‌ی مهر بابایی
 (پژومان، ۱۳۹۲: ۴)

در این لالایی گویی از حضور فعال پدر خانواده سخن به میان می‌آید که همواره به فرزندش مهربانی می‌کند و در تعامل با خانواده حضور فعال دارد. مادر نیز برای بقای مرد دعا می‌کند.

لالا، لالا، لالا، لالایی گل ریحون و نعنائی
 بخواب، وقتی شبی بیدار میاد پیش تو بابایی
 (خیامی، ۱۳۹۱: ۳)

در این لالایی راوی که مادر است، حضور پدر در کنار فرزندش را به او متذکر می‌شود و به این وسیله سبب آرامش خاطر کودک می‌شود.

۷. نتیجه‌گیری

درهم‌تنیدگی عوامل تغییر در ارزش‌ها به‌گونه‌ای است که نمی‌توان تنها یک عامل را زمینه‌ساز تغییر باورها و فرهنگ تلقی کرد؛ اما تغییر در باورها، هنجارها و نقش‌های موجود در جامعه رابطه‌ای همسو با تغییر ارزش‌ها در جامعه دارند. گویی جدا از عوامل بیرونی چون توسعه‌ی صنعت یا عوامل جمعیتی، عامل ایدئولوژیک، عاملی شتاب‌دهنده به تغییر اجتماعی در جامعه است. فرهنگ در جامعه همواره ثابت نیست، بلکه تحت تأثیر عواملی متحول می‌شود که از آن با عنوان تغییر اجتماعی یاد می‌شود. تغییرات اجتماعی به‌طور مداوم و پیوسته انجام می‌شود. این نکته درخور توجه است که در گذشته بنا به ارتباطات محدودتر، تبادل فرهنگی نیز با سرعت کمتری انجام می‌شده است؛ ولی در عصر حاضر بنا به رشد تکنولوژی و ارتباطات گسترده‌تر بین افراد و جوامع گوناگون، تبادل فرهنگی با سرعت بیشتری انجام می‌شود؛ در نتیجه تأثیر و تأثرات فرهنگی به لالایی‌های نوین نیز راه یافته است؛ زیرا تغییر در فرهنگ نیازهای جدیدی را در جامعه پدید می‌آورد. ادبیات در پی رضای این نیازها برمی‌آید و لالایی‌ها نیز به‌عنوان شاخه‌ای از آن، از این قاعده مستثنی نیست. در دوره‌ی معاصر با اهمیت کودک و توجه به ادبیات منحصر به او، شاعران به لالایی‌ها به‌عنوان سروده‌های اولین سال‌های زندگی کودک توجه کرده‌اند و از آن به‌منزله‌ی

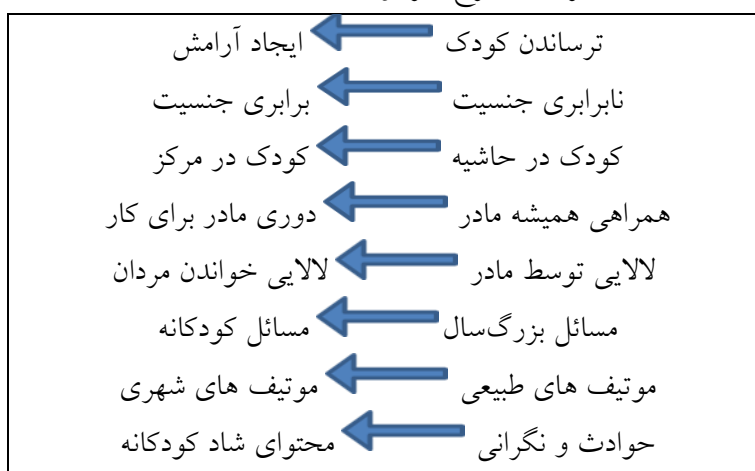
قالبی برای سرایش اشعار بهره برده‌اند. جایگیری نشدن این لالایی‌ها در بین توده‌ی مردم را این‌گونه می‌توان توجیه کرد:

۱. زمان چندانی از سرایش این اشعار نگذشته است (اکثر آن‌ها به ده سال اخیر تعلق دارند) و اصالت، در پی گذشت زمان حاصل می‌شود. شاید در زمان کنونی این لالایی‌های نوین چندان شیوع و اصالتی نداشته باشد، اما در اذهان کودکان امروزی جای می‌گیرد و چه بسا کودکان امروز که والدین آینده خواهند شد از گنجینه‌ی حافظه‌ی خویش این لالایی‌ها را برای فرزندانشان زمزمه کنند و این‌گونه شایع و رایج شوند.

۲. بررسی بازتاب مسائل اجتماعی در لالایی‌های نوین اقتضا می‌کند به لالایی‌های عصر حاضر توجه شود، حتی اگر این لالایی‌ها مردم‌ساخته و شایع نباشند؛ چراکه توجه به لالایی‌های عصر حاضر پل شناخت مسائل اجتماعی این عصر است نه لالایی‌های کهن. اگر به لالایی‌ها نه عنوان شاخه‌ای از ادبیات عامه بلکه به منزله‌ی زیر ژانری از ادبیات کودک نظر افکنیم، اهمیت این مسئله بیشتر نیز خواهد شد.

انعکاس مسائل اجتماعی در لالایی‌ها به نحوی است که می‌توان لالایی‌ها را در حکم سندی به‌منظور آگاهی از مسائل اجتماعی هر عصر در نظر گرفت. لالایی‌های گذشته صحنه‌ی ظهور تعدد زوجات، برده‌داری و... بود که با تغییر شرایط اجتماعی و منسوخ شدن این شرایط، در دوره‌ی جدید دیگر در لالایی‌های نوین ظهور نیافته‌اند؛ همچنین تعامل گسترده‌تر مردان با اعضای خانواده، اشتغال زنان و... که در عصر حاضر در جامعه وجود دارد در لالایی‌های نوین نیز بروز می‌کند. در لالایی‌های امروزه با تغییر ساختارهای حاکم بر جامعه، محتوای لالایی‌ها در همه‌ی ابعاد به‌روز شده است. بعد اجتماعی نیز نه تنها مستثنا نیست، بلکه به‌علت رابطه‌ی مستقیم و ملموس کودک با محیط اجتماعی پیرامونش، بیشتر از بقیه‌ی ابعاد در لالایی‌ها بروز کرده است. علل تغییر اجتماعی چنان درهم‌تنیده‌اند که تعیین تنها یک عامل برای تغییر در فرهنگ را نمی‌توان پذیرفت؛ اما در این میان عامل ایدئولوژیک بیشتر از بقیه‌ی عوامل بر تغییر محتوای لالایی‌ها اثرگذار بوده است. در واقع تغییر در باورها و هنجارهای حاکم بر جامعه منجر به حذف تفکرات منسوخ گذشته و جایگزینی اندیشه‌ی جدید چون اشتغال زنان شده است که با باورهای عصر کنونی در جامعه هم‌جهت است. گویی لالایی‌ها چون دیگر اقسام ادبیات، آینه‌ی تجلی تغییرات حاکم در جامعه هستند. گویی لالایی‌ها خود را متناسب با عوامل موجود در عصر سرایششان هم‌جهت ساخته‌اند؛ به‌نحوی که با

مطالعه‌ی لالایی‌ها می‌توان به نیازها، ارزش‌ها، باورها و... موجود در جامعه پی برد. از سویی دیگر گویی شاعران تعمدی به این کار دست زده‌اند تا با زبان شعر و به‌طور غیرمستقیم جامعه‌پذیری را به کودکان آموزش دهند و مسائل اجتماعی پذیرفته‌شده در جامعه به کودکان انتقال یابد. به‌طورکلی سیر تطور درون‌مایه‌ی لالایی‌ها بر اساس مسائل اجتماعی، از گذشته تا به امروز به شرح زیر بوده است:



منابع

- ابراهیمی، جعفر. (۱۳۹۲). *عروسک جان، لالا کن*. تهران: امیرکبیر (کتاب‌های شکوفه).
- احدی، حسن و جمهری، فرهاد. (۱۳۸۹). *روان‌شناسی رشد؛ نوجوانی، بزرگ‌سالی*. قم: آینده درخشان.
- اسلامی، مریم. (۱۳۸۷). *۴۱ لالایی برای ۴ فصل*. تهران: قدیانی (کتاب‌های بنفشه).
- پژومان، مریم. (۱۳۹۲). *لالایی شبانه (دخترانه)*. اصفهان: نوشیکا.
- پولادی، کمال. (۱۳۸۴). *بنیادهای ادبیات کودک*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- تذهیبی، سهیلا و شجاع دوست، شهلا. (۱۳۹۱). *لالا لالا گل لاله*. تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.
- تریاندیس، هری چارالامبوس. (۱۳۸۳). *فرهنگ و رفتار اجتماعی*. ترجمه نصرت فتی، تهران: رسانش.

- جاوید، هوشنگ. (۱۳۷۰). *آواهای روح‌انگیز، مجموعه لالایی‌های ایرانی*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- جلالی، مریم. (۱۳۹۲). *شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان: نگاهی نو به بازنویسی و بازآفرینی، به انضمام فهرست صدساله اقتباس از شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان*. تهران: طراوت.
- جمالی سوسفی، ابراهیم. (۱۳۸۷). *لالایی در فرهنگ مردم ایران*. تهران: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات.
- خاور سنگری، رضا. (۱۳۸۹). *لالایی‌های پدران عاشقانه‌های مادرانه*. تهران: یزدا.
- خیامی، لیلا. (۱۳۹۱). *لالایی‌ها*. مشهد: عروج اندیشه.
- درس‌لر، دیوید و ام. ویلیس، ویلیام. (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی، بررسی تعامل انسان‌ها*. ترجمه مهرداد هوشمند، تهران: اطلاعات.
- روستایی، علی. (۱۳۹۱). *لالایی‌ها (۴)*. تهران: فرهنگ و هنر.
- شعبانی، اسدالله. (۱۳۹۲). *لالالا، ابر پاره*. تهران: امیرکبیر (کتاب‌های بنفشه).
- طاهری‌پور، نصرت‌السادات. (۱۳۹۴). *۱۰۱ کلید جامعه‌شناسی*. تهران: تمدن علمی.
- طاهری، حسین؛ زمانی، فریبا. (۱۳۹۵). *لالایی کودکان*. تهران: داریوش.
- عمرانی، سیدابراهیم. (۱۳۸۱). *برداشتی از لالایی‌های ایران به همراه مجموعه‌ای از لالایی‌های کرمان، خراسان، فارس، مازندران و آذربایجان*. تهران: پیوند نو.
- قاسم‌نیا، شکوه. (۱۳۹۴). *بارون نم‌نم - رو پشت بوم خونه / بارون با چیک چیکش - لالا برام می‌خونه*. تهران: با فرزندان.
- گلیان، اعظم. (۱۳۸۸). *لالایی برای کودکان ۴، لالایی کن شب از نیمه گذشته*. تهران: قاضی.
- محمدپور، مهرداد. (۱۳۸۸). *با لالایی یاد می‌گیرم (۲) درختان*. تهران: دنیای تاتی.
- محمدی، حشمت‌الله. (۱۳۷۴). *شب‌های مادر*. خرمشهر: چمن.
- مهاجری، زهرا. (۱۳۸۳). *لالا لالا گل پسته*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- همایونی، صادق. (۱۳۸۸). *زنان و سروده‌هایشان در گستره فرهنگ مردم ایران زمین*. تهران: گل‌آذین.